info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۶۶۰
سه‌شنبه / ۱۳ آذر / ۱۴۰۳
۱ / جمادی الثانیه / ۱۴۴۶
03 / December / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: قرچک بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۳۲۸۳۸-۲۲۵۳۴۲۴۲-۰۲۶ فکس: ۲۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

در آب و رنگ رخسارش چه جان دادیم و خون خوردیم
چو نقشش دست داد اول، رقم بر جان سپاران زد
منش با خرقه پشمین کجا اندر کمند آرم
زره مویی که مژگانش ره خنجرگزاران زد

عرفانه

بر خاطر موج است گران
دیدن ساحل
بار تو نگه دار از منزل
سفرم را

صائب تبریزی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۰	۰۷:۰۰	۱۱:۵۷	۱۶:۵۲	۱۷:۱۲

برگه

زندگی مانند دوچرخه سواری است؛ برای این که تعادل‌تان را حفظ کنید باید به حرکت ادامه دهید...

آلبرت اینشتین

یادداشت اختصاصی

به بهانه زادروز خالق «غرب‌زدگی»

جلال آل احمد؛ از نویسندگی تا عشق بی‌پایان به سیمین

مهدی کیان

یازدهم آذر ماه ۱۳۰۲ بود که جلال آل احمد فرزند سید احمد طالقانی که عموزاده آیت الله سید محمود طالقانی بود در تهران به دنیا آمد.

هرچند خانواده او اصرار بر تحصیل او در علوم مذهبی داشتند ولی جلال صرف از علوم مذهبی در سال ۱۳۲۲ از دانشسرای عالی تهران در رشته زبان وادبیات فارسی فارغ التحصیل شد به تدریس و تحصیل در این حوزه کوشابود.

جلال را همه با داستان‌های بی‌شمار و ادبیات خاص خودش می‌شناسیم.

با سبکی آشنا و کلاه خاص و سفرنامه‌های متفاوتش.

از سفرنامه‌های غربی تا خسی در میقات که غوغایی از عشق بنده به خالق خویش را در زیباترین حالت توصیف می‌کند.

از لورزان تا مدیر مدرسه

از معرفی البر کامو به جامعه ادبی وقت تا ترجمه سیمین نوشت: سیمین تو کم خنده‌های من این خانه را بنا می‌کنم تا صدای خنده‌های تو از آجرهای این خانه بلند شود.

جلال بخشی از دلتنگی‌هایش به سیمین را اینگونه در سفری که سیمین برای تحصیل در فرانسه رفته رقم می‌زند، بیان می‌کند:

زن یک نویسنده بطور عام، شوهرش را بعنوان یک مرد می‌شناسد نه به عنوان یک نویسنده، اما من زن جلال آل احمد هستم تو را از نوشته‌هایش جدا نمی‌کنم و نه تنها به عنوان یک مرد، بلکه او را به عنوان مردی که نویسنده است می‌شناسمش.

جلال خیلی شبیه نوشته‌هایش است یعنی سبک جلال، خود اوست با این تفاوت که من با چرک نویسش و دیگران با پاک نویسش مواجه هستند.

سیمین آشنای شان را اینطور تعریف می‌کنند جلال و سیمین همدیگر را زمانیکه در عید سال ۱۳۲۷ بهمراه خانواده در سفری از شیراز به تهران رفته بودیم، دیدیم. در راه برگشت در اتوبوس با یک جوان شیک و مودب که جایش را در کمال احترام به من داد و در طول مسیر تا خود مقصد درباره کتاب و نوشتن حرف زدیم آشنا شدم و نهایت بهم دلبستیم و در روز بهمن آشنای شان هم قرار عقد گذاشتند علی رغم مخالفت بزرگان قوم، هرچند از دو خانواده با فرهنگی متفاوت ازدواج کردند، ولی ثمره آن سال ها زندگی مشترک که به عشقی استوار و اتفاقی تبدیل شد قطور که سیمین بفو شیرازی بیان می کرد: حاصل زندگی که در آشیانه ای که جلال خودش با دست خودش در محله درقاشیه بن بست آرش ساخت.

خانه ای که سنگ‌بنای آن با پول نویسندگی تهیه و با دستان خود جلال به ثمر نشست- زندگی کردیم.

جلال خانه را با عشق ساخت و در نامه‌ای به سیمین نوشت: سیمین تو کم خنده‌های من این خانه را بنا می‌کنم تا صدای خنده‌های تو از آجرهای این خانه بلند شود.

جلال بخشی از دلتنگی‌هایش به سیمین را اینگونه در سفری که سیمین برای تحصیل در سال ۴۱ به فرنگ رفته بود، بیان می‌کند:

راستی سیمین جان

من این بار اصلا غم غربت ندارم. درست مثل این است که رفته، هم مشهد. مشهد اگر می‌گویم برای این است که آنجا هم مثل اینجا یک شهر زیارتی است. گرچه آن بار هم که باتو بودم غم غربت نبود. شاید هم سنم از آن حد گذشته باشد که خودم را در جایی غریب احساس کنم. آن بار البته معلوم بود که چرا غم غربت نباید باشد. یک دنیایی بود و ما دوتا در آن به هم رسیده بودیم و در یک گوشه‌ای از دنیا با هم بودیم. پس چه فرق می‌کرد؟ خواه بلخ خواه ری

در جای دیگری در غم فراق یارش چنینی می‌نگارد:

می‌دانی چطوری است سیمین جان؟ از کاغذهایت - گرچه چیزی نمی‌نویسی - پیداست که تو هم حال ما را داری ولی این هم هست که برای غصه‌های تو مفری و یا مفرهایی هم هست که جلب توجهت را می‌کند و نمی‌گذارد زیاد ناراحت باشی و لیفقد دینامی هست که خیلی چیزها را از یادت می‌برد. از کاغذهایت پیداست.

خودت نوشته بودی که حالت «بهتر از آن است که متوقع بودی» بدان که بهتر هم خواهد شد. اگر به مناسبتی، دو سطر یاد هندوستان بی‌بو و بی خاصیت من می‌افتی، دو سطر بعد مشاهدات جالب خودت را می‌نویسی. و همین انصراف خاطر اجباری خودش بزرگترین کمک‌ها را به تو می‌تواند بکند. هیچ می‌دانی که یک همچه سفری تو را چقدر کامل خواهد کرد؟ من بدبخت که اینجا با اندوه ماندنی شدم ولی اصلا تو بگذار چشمهایت از دنیا پر بشود. آدم هرچه بیشتر ببیند و بیشتر بشنود و بیشتر تجربه کند بیشتر عمر کرده است.»

جلال با آنهمه دلدادگی اش در ۱۸ شهریور ۱۳۴۸ چشمانش را برای همیشه از دنیا بست. اینگونه که سیمین می گوید: زیبا مرد، همانگونه که زیبا زندگی کرده بود و شتابزده مرد، عین فرو مردن یک چراغ میان مردم معمولی که دوستشان داشت وستگشان را به سینه می زد. حالا می‌فهمم در اینهمه سال که با هم بودیم چرا آنهمه شتاب داشت و

دانست که فرصت

می‌دانست که فرصت

کوتاه است. شتاب داشت که بخواند، بیاموزد و لمس کند، تجربه کند، بسازد و ثبت کند

در این دنیا کمتر زنی قبال مرا داشته که جفت مناسب خودش را پیدا کند، مثل دو مرغ مهاجر که جفت مناسب خود را پیدا کردهاند، همدیگر را یافته باشند در یک قفس با همدیگر هم نوا شده باشند و این قفس را برای هم تحمل پذیر کرده باشند ...

حال میش از یک قرن از سالروز زمینی شدن جلال می گذرد و همچنان نام او بر آسمان ادبیات ایران زمین می درخشد

دیدگاه

چرا تروریست‌ها از لانه‌های‌شان بیرون آمدند؟

سوریه احتمالاً یکبار دیگر در دام فتنه‌ای پرهزینه افتاده است. تا عصر روز شنبه، تروریست‌های تکفیری - که بخشی از آنها مورد حمایت ترکیه‌اند - بیش از ۶۰ درصد شهر حلب را تصرف کرده‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، سوریه احتمالاً یکبار دیگر در دام فتنه‌ای پرهزینه افتاده است. تا عصر روز شنبه، تروریست‌های تکفیری - که بخشی از آنها مورد حمایت ترکیه‌اند - بیش از ۶۰ درصد شهر حلب را تصرف کرده‌اند. ساعت پس از اجرای آتش‌بس میان لبنان و رژیم‌صهیونیستی و پس از تهدید سوریه به تلاش برای تأمین امنیت مرز با رژیم‌صهیونیستی، به مناطق تحت کنترل دولت سوریه در استان حلب حمله کردند. روز شنبه ارتش سوریه در بیانیه‌ای «ورود» تروریست‌ها به «بخش‌های وسیعی» از محله‌های شهر حلب را تأیید کرد. اما گفت که آنها «تلاشند موقع خود را تثبیت کنند» چرا که درگیری‌ها ادامه دارد. همزمان با تحرکات تروریست‌ها در شمال، خبرهای ضدونقیضی از اقدام عملیات کردهای سوریه در رساندها منتشر شده است. مجموع این شرایط نشان می‌دهد سوریه، مسافت‌ها و روزهای سخت و تمرین کنندهای را پیش رو خواهد داشت. اما چه عواملی باعث شد تا به یکباره گروه‌های تروریستی به میدان بیایند در این باره می‌توان به ۳ عامل اشاره کرد:

۱.خودانگیختگی درونی

پس از پایان دامنه‌ی در آبان‌ماه سال ۱۳۹۶، دولت سوریه تروریست‌های تحریرالشام با همان جبهه‌النصره سابق را از سرلمر کشور به استان حلب منتقل کرد. در سال ۲۰۱۸ در سوچی، مسکو و انکارا توافقنامه‌ای را برای خلع سلاح تروریست‌ها و خروج آنها از این منطقه امضا کردند؛ اما این حال آنکارا به تعهداتش پایبند نماند و قدمی در راستای خلع سلاح آنها برنداشت. در طول این سال‌ها، بلافاصله پس از تحرکات تروریستی گروه‌های مورد حمایت ترکیه در این منطقه، ارتش سوریه مواضع آنها را هدف قرار می‌داد. بررسی که تروریست‌های اندیشیدن با آن روبه‌رو بودند در کنار شرایط منطقه و تمرکز ارتش سوریه و متحدانش بر جنوب و شرق سوریه بهترین فرصت برای ساماندهی سازمان رزم و عملیات علیه دولت سوریه را در اختیار تروریست‌های تحریرالشام قرار داد تا از این طریق، دامنه نفوذ خود را گسترش دهند تا در ادامه بتوانند دولت مرکزی را ساقط کنند.

۲.توسعه‌طلبی ترکیه

انکارا علی رغم وعده خلع‌سلاح تروریست‌ها در ادلب، نتانها آنها را خلع سلاح نکرد که به بخشی از نیروهای این گروهک، آموزش‌های نظامی و حتی رسانه‌ای نیز داد. همچنین بخش قابل توجهی از تسلیحات پیشرفته مورد نیاز این گروهک یا از طریق انکارا یا با واسطه‌گری این کشور در اختیار تروریست‌ها قرار گرفته است. ترکیه به دنبال دستیابی به استان حلب به‌عنوان یکی از قطب‌های صنعتی سوریه قدیم است. این البته مسئله‌ای پنهان نیست چراکه حدود ۱۰ سال پیش روزنامه‌های «حریت» و «تقسیم» ترکیه صراحتاً به آن پرداختند و نوشتند که رهبر ترکیه اردوغان آمی‌خواهد شمال سوریه، از منطقه حلب تا لاذقیه را به خاک خود ضمیمه و آن را استان هشتادوسوم خود کند. زیاده‌طلبی‌های انکارا البته محدود به سوریه نمی‌شود. این کشور با وجود گذشت نزدیک به ۱۰۰ سال از واگذاری موصل به عراق در پی پیمان ۱۹۲۳ لوزان و توافق بعدی آن، همچنان به این استان عراق چشم طمع دارد و در مسائل داخلی آن، همچنان این استان مرتبط است. دخالت می‌کند. هرچند مقامات ترکیه از عدم دخالت در عملیات تروریست‌های وابسته به انکارا می‌گویند؛ اما واقعیت‌های میدانی این ادعاها را به چالش می‌کشد.

۳.تبانی آمریکا، ترکیه و رژیم‌صهیونیستی

تحرکات تروریست‌ها - آن هم در این بازه زمانی - نمی‌تواند محدود به دو عامل فوق یعنی خودانگیختگی درونی تروریست‌ها یا حتی توسعه‌طلبی ترکیه باشد. این حمله از نظر پشتیبانی لفاظاتی، عملیاتی و لجستیکی، فراتر از طراحی یک گروهک تروریستی است. پس از عملیات «طوفان الاقصی» رژیم‌صهیونیستی با وعده نابودی حماس و بازگرداندن اسرا دست به جنایت بزرگی در غزه زد؛ جنایتی که منجر به صدور حکم دستگیری نخست‌وزیر و وزیر جنگ رژیم‌صهیونیستی، دادگاه لاهه شد. اگرچه رژیم به دلیل ورود سریع حزب‌الله به نبرد در شمال، به هیچ‌یک از دو هدف ادعایی خود نرسید؛ اما از سکوت مجامع بین‌المللی در برابر جنایت‌هایش استفاده کرد و به لبنان حمله کرد تا بلکه بتواند ضربه سختی به حزب‌الله لبنان بزند و از این طریق، محور مقاومت را تضعیف کند. به‌طور حتم، اگر رژیم صهیونیستی در لبنان به موفقیتی دست پیدا می‌کرد، به سراغ سوریه می‌رفت تا حلقه مهم اتصال ایران به مقاومت فلسطین در لبنان را از بین ببرد. عراق و یمن نیز قتلخانه‌های بعدی صهیونیست‌ها در این جنگ بودند. اما حزب‌الله لبنان، هم نقشه رژیم صهیونیستی در جنوب را خنثی کرد و هم طراحی‌اش در شمال را از این رو صهیونیست‌ها به جای باز کردن یک جبهه جدید و خطرناک با مشارکت ترکیه و آمریکا (ناتو) از اوراز تروریست‌های وابسته به ترکیه بهره بردند تا از این طریق، ارتش سوریه را از یک‌سو درگیر بحران داخلی کنند و از سوی دیگر اگر نیاز شد، خودشان دست به اقدام بزنند. در طول بیش از یکسال جنگ رژیم صهیونیستی چندین بار به سوریه حمله هوایی کرده تا مانع حمایت همجانبه دمشق از محور مقاومت شود. تل‌آویو حتی از سوی متحدان عرب خود همچون امارات و اردن، پیشنهاد بازسازی سوریه و نابودی گروه‌های تروریستی در مقابل حذف شدن سوریه از محور مقاومت، به دمشق داده بود؛ اما بشار اسد این پیشنهادها را نپذیرفت تا یک ماه بعد از افشای این پیشنهاد، رژیم صهیونیستی با مشارکت ترکیه و آمریکا کمک به یک تروریست‌ها، فشار برای اثر گذاری بر محور مقاومت را در دستور کار خود قرار دهند. هرچند روزهای سختی پیش رو است اما بحلول حتم تروریست‌های وابسته به اردوغان، نمی‌توانند پروژه‌ای در این وسعت را به سرانجام برسانند.

صادق امامی

مکث

با کره زمین سلفی بگیرید!

مهندس سابق ناسا ماهواره‌ای ساخته است که می‌تواند عکس‌های سلفی افراد روی زمین را همسرا با تصویر همان نقطه از کره زمین ثبت کند

به گزارش پیام آشنا به نقل از زومیت، مارک روبر، یوتوبر و مهندس سابق ناسا با کمک گوگل و تی‌موبایل، ماهواره‌ای به نام SATGUS را برای گرفتن سلفی با کره‌ی زمین به مدار پرتاب کرده است. این ماهواره می‌تواند تصویر هر شخصی در هر نقطه‌ای از زمین را که با گوشی گوگل گرفته شده باشد، دریافت کند و تصویر کره‌ی زمین در همان لحظه را در پس‌زمینه‌ی آن قرار دهد.

روبر ادعا می‌کند که در هنگامی که ماهواره بالای سر شما قرار دارد، سلفی شما را خواهد گرفت و دقیقاً به شما می‌گوید که چه زمانی عکس گرفته می‌شود تا بتوانید دوباره در عکس بایستید. این ماهواره قرار است از سوی اسپیس‌ایکس در ژانویه‌ی ۲۰۲۵ (در ماموریت ترنسپورتر ۱۲) به فضا پرتاب شود و چند ماه بعد از آن، ثبت عکس‌های سلفی را آغاز خواهد کرد.

روبر در ویدیوی یوتوب، خود، ۶ مرحله‌ی کلیدی در ساخت و راه‌اندازی ماهواره را تشریح کرد که شامل طراحی، تحلیل آزمایش و راه‌اندازی است. ابتدا فرایند طراحی به کمک کامپیوتر (CAD) انجام می‌شود که برای تجسم اجزاء و ساختار ماهواره ضرورت دارد. SATGUS CubeSat محسوب می‌شود که از ابعاد و اجزای استاندارد بهره می‌برد و به‌طور قابل توجهی هزینه‌ها و زمان توسعه را نسبت به ماهواره‌های سنتی کاهش می‌دهد.

روی ماهواره دو گوشی پیکسل و دو دوربین تخصصی فضایی قرار می‌گیرد که سلفی‌های با کیفیت بالا را تضمین می‌کنند و سیستم‌های پشتیبانی برای اطمینان از قابلیت را در بر می‌گیرند. برای حفظ جهت‌یابی دقیق در فضا SATGUS از چرخش دهنده‌ها و میله‌های گشتاور استفاده می‌کند و همچنین از حسگرهای متعددی مانند GPS و ردیاب‌های ستاره بهره می‌برد.

رلبر بر چالش‌های مهندسی ناشی از محیط فضایی تأکید کرد؛ از جمله مقاومت در برابر لرزش، مدیریت دماهای شدید و حفاظت در برابر تابش. تکنیک‌های پیشرفته‌ای مانند مدل سازی المان محدود برای تحلیل لرزش‌ها استفاده می‌شود. در حالی که سیستم‌های حفاظت حرارتی برای جلوگیری از گرم شدن یا یخ زدن بخش‌های الکترونیکی، ماهواره طراحی شده‌اند.

انتظار می‌رود SATGUS به مدت یک تا سه سال عملیاتی باقی بماند و سپس در هنگام ورود به جو تجزیه شود. که این امر مطابق با مقررات بین‌المللی برای کاهش زباله‌های فضایی است.

روبر از طریق ویدیوی کانال یوتیوب خود، به توضیح کامل مکانیزم ماهواره‌ی SATGUS پرداخته است. در واقع دوربین‌ها و گوشی‌های گوگل در دو طرف ماهواره برای ایجاد اطمینان نصب شده‌اند و تمام این سیستم توسط پنل‌های خورشیدی بزرگی تغذیه می‌شود که انرژی را به یک باتری ۱۲۰ وات‌ساعتی ارسال می‌کند.

برش

عبرتی که از وینوگراد گرفته نشد

بالاخره همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، رژیم صهیونیستی با اعلام آتش‌بس، از مرزهای لبنان عقب‌نشینی کرد و دو ماه تهاجم بی‌نتیجه متوقف شد. هرچند نتانیاهو مدعی است که آتش‌بس موقت است و تلاش می‌کند پرونده جنگ مختومه نباشد. اما تصویر آموس هوکشتاین، فرستاده ویژه آمریکا به لبنان در دلفی بودن آتش‌بس، نشانگر آن است که آمریکایی‌ها تمایلی به ادامه پشتیبانی ماشین جنگی اسرائیل ندارند و به دنبال بستن این پرونده هستند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان، بالاخره همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، رژیم صهیونیستی با اعلام آتش‌بس، از مرزهای لبنان عقب‌نشینی کرد و دو ماه تهاجم بی‌نتیجه متوقف شد. هرچند نتانیاهو مدعی است که آتش‌بس موقت است و تلاش می‌کند پرونده جنگ مختومه نباشد. اما تصویر آموس هوکشتاین، فرستاده ویژه آمریکا به لبنان در دلفی بودن آتش‌بس، نشانگر آن است که آمریکایی‌ها تمایلی به ادامه پشتیبانی ماشین جنگی اسرائیل ندارند و به دنبال بستن این پرونده هستند.

حدود سه ماه قبل که حملات ارتش رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان شدت گرفت و نخستین نشانه‌های شعله‌ور شدن جنگ جدید نمایان شد، مهم‌ترین دستور کار اسرائیلی‌ها در تهاجم به لبنان، تحقق آرزویی بود که از سال ۲۰۰۶ بر دل صهیونیست‌ها مانده بود. در جنگ ۳۳ روزه هدف اسرائیل در هم پیچیدن طومار مقاومت در لبنان بود که نه‌تنها این آرزو محقق نشد، بلکه حزب‌الله طی دو دهه گذشته به سازمانی فراملی و قدرت‌تأثیرگذار منطقه‌ای ارتقا یافت.

عقده شکست از حزب‌الله در طول این سال‌ها، همچنان بر دل صهیونیست‌ها بود و شاید به همین دلیل بود که برخلاف اختلاف‌نظری که در مورد حمله به غزه در درون نخبگان جامعه صهیونیستی وجود داشت، در تهاجم به شمال تقریباً اجماع‌نظر حاکم بود. همچنین نقش ویژه حزب‌الله در تقویت سایر اضلاع مقاومت در فلسطین و یمن نیز صهیونیست‌ها را به این جمع‌بندی رساند که پیروزی در غزه بدون نابودی حزب‌الله ممکن نیست، از این‌رو با آنکه پرونده جنگ غزه هنوز مفتوح بود، ماشین نظامی خود را به سوی شمال گسیل داشتند تا این بار برای همیشه کار مقاومت لبنان را یکسره کنند.

نوع استراتژی تهاجمی اسرائیل در جنگ اخیر تنها معطوف به سازمان مقاومت نبود، بلکه در کنار ضربه به حزب‌الله، کوچ اجباری شیعیان حامی مقاومت از جنوب لبنان را دنبال می‌کردند تا محیط اجتماعی حامی مقاومت نیز نابود شود.

ضربات سنگینی که در روزهای نخست جنگ به بیروت و ضاحیه وارد شد و نیز شهادت جمعی از فرماندهان مجرب حزب‌الله و به‌ویژه شهید سیدحسن نصرالله و شهید سیدهاشم صفی‌الدین، این امید کاذب را در تل‌آویو ایجاد کرد که کار حزب‌الله رو به اتمام است و دیگر مقاومت از زیر بار این ضربات کمر راست نخواهد کرد.

به رغم دو ماه بمباران بی‌امان هوایی با مخرب‌ترین سلاح‌های ساخت آمریکا و نیز ورود زمینی، ماشین جنگی زرهی اسرائیل به جنوب، نه‌تنها پیشروی قابل اعتنایی حاصل نشد، بلکه پایگ موشکی مقاومت افزایشی اتخاذ شد. بدین ترتیب نه‌تنها آوارهای الجلیل به خانه‌های خود بازنگشتند، بلکه بحران آوارگی به حیفا و حتی پیرامون تل‌آویو رسید.

نتانیاهو در سخنرانی خود در خصوص آتش‌بس در ضمن اعلام دلایل اتخاذ این رویکرد، به نکته‌ای مهم اشاره کرد و یکی از دلایل آتش‌بس را «لزوم تقویت نیروهای نظامی اسرائیل و غلبه بر موقع تسلیحاتی» ذکر کرد. واقعیت آن است که مقاومت مثال‌زدنی در غزه و جنوب لبنان نه‌تنها زراد خانه‌های اسرائیل را تقریباً خالی کرد، بلکه کمک‌های تسلیحاتی سرشار آمریکا و غرب نیز عملاً مشکل اسرائیل را حل نکرده و اینک ادامه جنگ برای اسرائیل دیگر ممکن نبود. این در حالی است که غزه از سال‌ها پیش و لبنان نیز از ابتدای جنگ در محاصره شدید قرار دارند، با این حال توانستند با استفاده توان دشمن صهیونیستی را از کار بیندازند.

بدین ترتیب نه‌تنها مقاومت اسلامی در لبنان نابود نشد و حامیان حزب‌الله لبنان را ترک نکردند، بلکه حزب‌الله اراده خود را بر رژیم صهیونی تحمیل کرد و سرنوشت جنگ، مشابه جنگ ۳۳ روزه رقم خورد. هرچند در پایان جنگ ۳۳ روزه، کمیته «وینوگراد» دلایل شکست در جنگ را برای اسرائیلی‌ها بررسی کرد، اما گویا این گزارش در تل‌آویو موجب عبرت نشد. در این گزارش تصریح شده بود: «وارد شدن به جنگ بدون در نظر گرفتن استراتژی خروج، یک اشتباه وحشتناک بود.» اینک نیز نتانیاهو درحالی که در باتلاق غزه گرفتار بود، رژیم را در گیر جنگی سهمگین‌تر کرد و به رغم هشدارهای برخی همپسلک‌هایش، به این مسیر ادامه داد تا نهایتاً همان تجربه تلخ را برای رژیم صهیونی رقم بزند حتی اگر بر فرض، آتش‌بس هم دوام نیابد، باز نتیجه همین خواهد بود و نابودی مقاومت اسلامی لبنان خیالی خام بیش نیست. حزب‌الله زنده است و زنده خواهد ماند.

محمدجواد اخوان

رکورددداران استفاده از VAR در «لیگ برتر»

آمار تا پایان هفته دهم

Alborz.payam@gmail.com